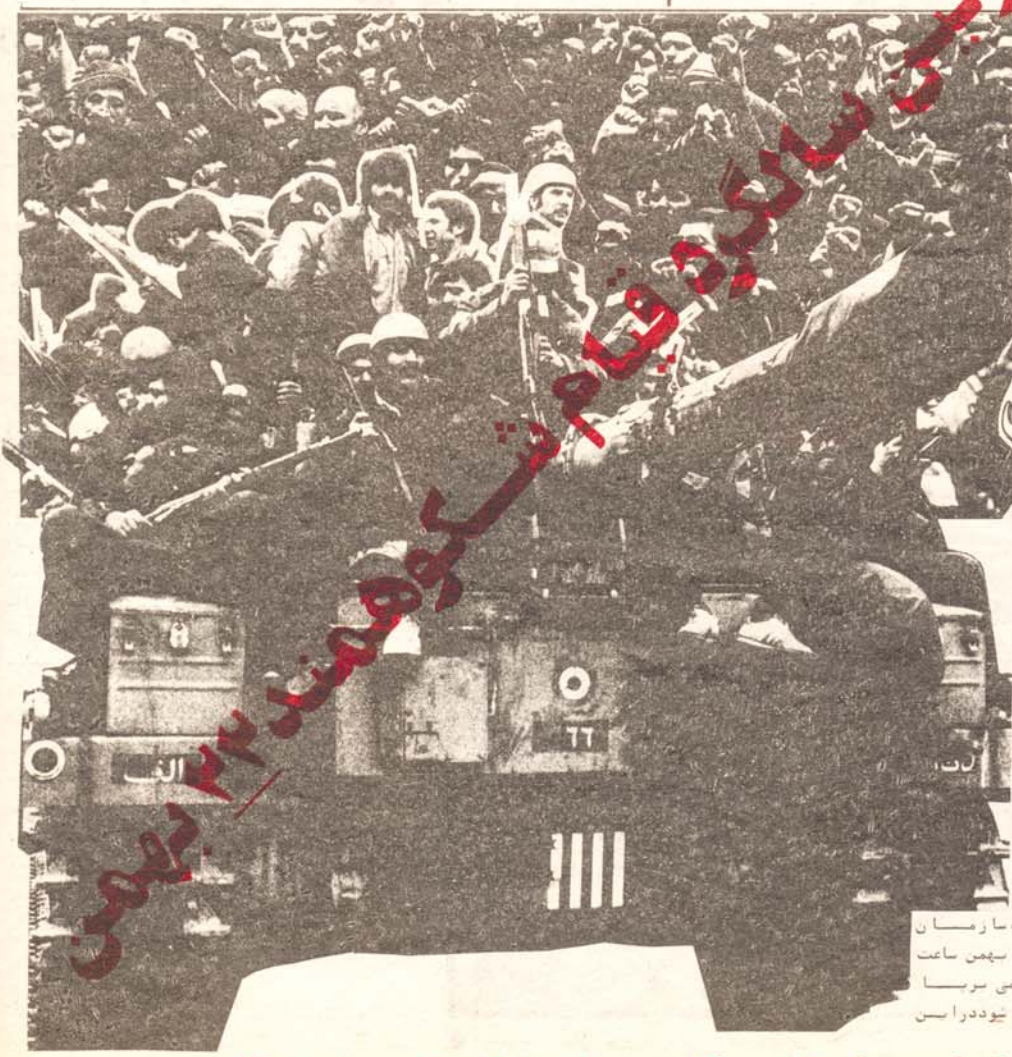


اولین سالگرد قیام مسلحانه ۲۲ بهمن را
 به کارگران، زحمتکشان و تمامی خلقهای
 ایران تبریک میگوئیم

آیا در طی یکسال گذشته وضع
 زنان تغییر کرده است؟
 آیا در آینده قانون دست پخت خیرگان آزادی
 واقعی زنان را تضمین میکند؟
 صفحه ۷

قیام و بورژوازی لیبرال
 قیام نه اوج جنبش نوفنده
 خلق نبود، بلکه اوج خیانت
 بورژوازی
 لیبرال نیز بود
 صفحه ۳



مروری بر
 زمینه های
 اقتصادی
 - سیاسی
 قیام
 بهمن
 توجه!
 صفحه ۲

مناسبت سالگرد قیام بهمن، از طرف سازمان
 بیکار در راه آزادی طبقه کارگر روز ۲۲ بهمن ساعت
 ۱۳:۴۰ در محل دانشگاه پلی تکنیک مراسمی سربا
 می سواد هموطنان کرامی درخواست می شود در این
 مراسم شرکت نمایند.

**درود بر تمامی شهدایی که در راه واژگونی سلطنت
 و محو سلطه امپریالیسم جان خود را فدا کردند**

مروری بر زمینه‌های اقتصادی - سیاسی قیام بهمن

بازار مصرف کالاها ی خارجی می گردد. میلیاردها دلار ارز با بابت واردات و کثرت خارجی می گردد، تورم افزایش یافته و نرخ کالاهای مصرفی و خدمات بطور سرسام آوری بالا می رود. درآمد ایران از نفت این منبع اصلی درآمد ارزی ایران همواره نایب سب - سبنا و برنا مه های تولید شرکت های چند ملیتی و کارتل - های عظیم نفتی است. در نیمه اول سال ۵۶ روز - انه بطور متوسط نزدیک به ۶ میلیون بشکه و یا لیانه نزدیک به ۴۰۰ میلیون تن نفت ایران توسط انحصار - گران نفتی بیتا راج می رفت که بعد از عربستان سعودی در بالاترین سطح قرار داشت. بطور متوسط ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی را درآمد حاصل از نفت تشکیل میداد اما این درآمد ها بحای آنکه در خارج راجوب بانک اقتصاد سالم و مستقل و با تقویت صنایع پایه ای و کلیدی و با در نظر داشتن نیازها و ضرورت های ملی و ایجاد تعادل منطقی بین رشد صنعتی و کشاورزی و... بکار گرفته شود، بطور کامل در خدمت برنا مه ها و سیاست های امپریالیستی و با تداعی رنکو و مرجع و وابسته آنها قرار می گیرد.

از سوی دیگر از آنجا که امپریالیسم با لائوسن بهره بری و بیشترین غارت خود را از درآمد سرشار حاصل از نفت می توانست بدست آورد و این بخش از اقتصاد نقش محوری را در کل سیستم اقتصادی ایران ایفا می نمود، بخش های دیگر اقتصاد در تنازل و عقب افتادگی راطی می نمودند. این وضعیت بیش از پیش در بخش کشاورزی خود را نشان می داد.

در بخش کشاورزی:

سیاست ویرانگر و ضد مردمی رژیم شاه ها شن و اربابان آمریکایی اش وضع را بسیار آشفته تر از پیش در صحنه ۹

صادرات نفت ایران به آمریکا دو برابر شد (اطلاعات آذر ۵۶) سقوط بی سابقه دلار (اطلاعات ۵ آذر ۵۶) ۷۲ میلیون دلار وام برای خرید هواپیما های ۷۲۷ ایران (آبندگان دی ۵۶) خرید های ایران از آمریکا ۴۰۰ میلیون دلار در تجارت می کند (اطلاعات ۵ آبان ۵۶) ایران برای اجرای تعدادی طرح در زمینه های محاسبات، صنایع کشاورزی و بیرونی ۹۰۰ میلیون دلار وام می گیرد (اطلاعات ۵ آذر ۵۶) کسری بازرگانی خارجی ایران به ۶۲۸ میلیون ریال رسید (آبندگان ۲۲ آذر ۵۶) کافی است نگاه کنید به این مجموعه آثار و ارقام سیاست فکینما گونه ای از ابعاد عظیم وابستگی و بوسیدگی درونی نظام سرمایه داری وابسته ایران را در یاسیم.

در زمینه تولیدات صنعتی:

صنایع مختلف از ندهنهای ایران از این نظریه - نیا بازار خارجی نمی نمایند، بلکه این صنایع بنا بر خصلت زائده می شود و وابستگی ایران را از نظر به صنایع مصرفی و صنایع امپریالیستی افزایش می دهد. متغایلا در صنایع وابسته صنایع غیر وابسته و معمولاً متوسط و کوچک و چنگل مکان رشد کانسلا مستقل نمانده و هر روز در ندهنهای سرمایه های بزرگ و امتیازات ناشی از موقعیت استراتژی آن دچار کود و ورشکستگی می گردند. بدین ترتیب تولید داخلی ارزش و نگوفاشی بازمی ماند، نیروهای انسانی ما هر وقت تخصص عاظم و باطل می مانند، تولیدات صنعتی نرسیدارد در مصرفی می ماند و ایران تبدیل به

کشک در آستانه مالکده بزرگترین تحول تاریخی ایران قرار گرفته ایم. ۲۲ بهمن سرآغاز زبونی است سرکشت غرور انگیز و بیرون افکار انقلاب ایران، ۲۲ بهمن بجای حاکم شوکوه مند میلیونها تنه شده است. ۲۵۰۰ سال با بارت و بندگی است. نظام ما هنا - هی در این مظهر کجاس از تاریخ از هم فرو می باشد و انقلاب گرچه به سروری نمی رسد اما دستاوردهای بی عظیم و بیروز نمدا نه با خود به رفغان می آورد. اهمیت این تحول در حلی است که به تحلیل ازمینه - های اقتصادی - سیاسی قیام بهمن ضرورتی بخش از پیش می بخشد. ما در گذشته این مسئله ها را تنها حاشی گمی توانستیم بیان داشته باشیم و اینک به مناسبت سالگرد این واقعه بزرگ تاریخی - مروری مجدد بر برخی جوانب آن می نمایم.

نگاهی به

زمینه های اقتصادی قیام:

رژیم سابق ایران یک رژیم سرمایه داری وابسته بوده است (کدر جریان سرکونی سلطنت آنها ضرباتی بر آن وارد آمد). این سخن بدین معناست که سه گرچه مناسبات تولیدی و نیروهای مولده رشد یافته و به مرحله سرمایه داری رسیده، اما این تکامل و رشد بیوسنده در زمینه نیازها و برنا مه های امپریالیسم صورت گرفته است و از این جهت رشدی "طبیعی" را مانند دیگر کشورهای بزرگ سرمایه داری از سر - نگذرانده و همواره موانع و محدودیت های بسیار، ناشی از سلطه امپریالیست ها در مقابل آن سدوده - اند. بنا بر این سرمایه داری ایران بحای بالندگی و تکمیلی از درون دچار کندگی و بوسیدگی شده و تلاشی آن را بسیار نزدیک کرده است. اما بیسیم زوال درونی سیستم سرمایه داری وابسته ایران در اوایل عمر رژیم پهلوی چگونه صورت خراش های حادث اقتصادی خود را نشان میدادند. بدین منظور ابتدا نگاه می به سبترهای اقتصادی روزها مه ها در سال ۵۶ می افکنیم که خود می توانست نموداری از حداث خراش های اقتصادی و شکست رژیم از تنبیس سیستم اقتصادی حاکم بر کشور باشد:

واردات ۲۵ برابر صادرات شد. (آبندگان ۱۵ مرداد ۵۶) قیمت ها در ۲۷ سال ۲۰ تا ۴۰۰ برابر افزایش یافت (آبندگان ۲۷ مرداد ۵۶) صادرات ایران ۲۳٪ کاهش یافت (کیهان ۲۳ شهریور ۵۶)

در ۵ ماه اول سال سرمایه گذاری خارجی در ایران ۲۵٪ افزایش یافت (کیهان ۲۶ شهریور ۵۶) ۶ هزار تن روغن نماتی خارجی ماه آئنده به ایران می رسد (کیهان ۹ شهریور ۵۶) در دیسال اخیر قیمت زمین ۲ هزار درصد اضافه شد (اطلاعات ۱ شهریور ۵۶) نسبت بعضی کالاها تا ۶۵٪ افزایش یافت (آبندگان ۱۲ مهر ۵۶) ۱۴ ماه قیمت، ۳۲۴ درصد افزایش یافت (آبندگان ۱۳ مهر ۵۶)



● ارتش ضد خلقی شاه، خلق را سرکوب می کند.
● بادست خالی تاکی می توان در مقابل اینها ایستادگی کرد ؟

قیام ۲۲ بهمن ماه نشان داد که تنها خلق مسلح میتواند سلطنت را واژگون و بر امپریالیسم ضربه وارد کند

قیام و بورژوازی لیبرال

● قیام تنها اوج جنبش توفنده خلق نبود بلکه اوج خیانت بورژوازی لیبرال نیز بود.

جنبش توفنده‌ای که در آذربایجان و شمال غربی ایران در ۵۵ روز به اوج خود رسید، بعد از انقلاب ۱۳۵۷ در مردم قهرمان ایران و شمال غربی ایران ۱۷ شهریور ۵۷ در میدان شهدا و در سایر نقاط کنونی به مرحله نویسی از اعتلا خود ارتقا یافت. مردم بعد از آن با مطرح ساختن شعار سرنگونی رژیم پهلوی و با فشاری بر آن در تمام نقاط ایران و اعطای کرسی به کسب و کار، شرایط را آرام آرام برای روزی که این شعار بصورت یک عمل فوری انجام بدهد، مهیا ساختند. قیام خونین و شکوهمند ۲۱ و ۲۲ بهمن ۵۷ خلقهای ایران تجلی این سیر منطقی اعتراضی جنبش توفنده‌ها بود.

در جریان کشتار و اوجگیری مبارزات خلق ما، دومی و دوسالست در برخوردی به مثابه جادوگر و بطور روش تجلی گردید.

مشئ اول:

با منی انقلابی و دموکراتیک خواهان سرنگونی رژیم پهلوی، تا بودی کامل سلطه نفوذ امپریالیسم تا بودی تمام سیستم سرمایه‌داری وابسته نبود، وارثان نهایی وابسته‌دان و استقرار یک سیستم مردمی و خلقی بود، تمام زحمتکاران، همه‌انرا خلقی، کمونسیتی و نیروهای راستین انقلاب از همان اول طرفداران منی انقلابی بوده‌وبه آن پای فشردند.

مشئ دوم:

با منی لیبرالی و سازشکار، خواهان سرنگونی رژیم نبوده بلکه خواهان ایجاد یک سری اصلاحات و تعدیلات در رژیم تا بود. این منی

خواهان تا بودی کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم و تا بودی تمام سیستم سرمایه‌داری وابسته نبود، تنها خواهان تعدیل فشارات استثمار و سرمایه‌داری وابسته نبود. این منی از همان اول خواهان یک رفتم بود که می‌خواست دیکتاتوری بورژوازی وابسته به دیکتاتوری کل بورژوازی تبدیل گردد. این منی خواهان سلطنت شاه بود و احیاناً قانون اساسی را آرزو می نمود.

طرفداران این منی لیبرالی و سازشکار را ما بورژوازی لیبرال (بورژوازی متوسط غیر وابسته) است که طی سالان گذشته از نظر اقتصادی بدلیل گسترش سرمایه‌های بزرگ وابسته عرصه بر آن تنگ گردیده و از زیان‌های سیاسی نیز بدلیل وجود دیکتاتوری پهلوی و دیکتاتوری بخشی از بورژوازی وابسته امکان سلطنت و خودنمایی و استفاده از امکانات دولتی را از دست داده است. بورژوازی لیبرال زبون و بی‌ثبات فرصت طلب است. اینها خواهان مبارزه با امپریالیسم و امکان مرجع داخلی شان بود و نه می‌خواست آن‌ها را در روی امواج توفنده مبارزات خلق با بستر انقلابی و مبارزات انقلاب سوار شده، هم‌پسرا انقلابی گردند و هم در ساحل نجات بیروزی مندا نه پیدا شده، در زمانیکه مبارزات توفنده خلق قهرمان ایران و شمال غربی ایران شد، نمایندگان سیاسی بورژوازی لیبرال بعد از سالها "گوشه نشینی"، سکوت و رندگی مردم و جدا از فشار استثمار و کسب و کارهای وابسته که با تحمل می شدند، با ممدان "سازش‌ساز" می‌گذاشتند، و از طریق احیاناً و ایجاد حرات و جنبه‌های وابسته

و کوناگون خودکوش می نمایند تا مانع از حرکت انقلابی توفنده‌ها شده و بدین وسیله با سوء استفاده از مبارزات توفنده‌ها به منافع طبقاتی خود هر چه بیشتر دست یابند. نگاه‌های به اظهار نظرات رهبران شناخته شده این بخش از بورژوازی - دکتر سنجابی، دکتر سحابی و مهندس بازرگان - درباره تشکیل دولت شریف‌امامی این توکر شناخته شده و کشف آمریکا برده از مواضع ضد انقلابی آنها بر می دارد. قائل دگرات این اظهارات درست در زمانیکه مردم در مبارزات حق طلبانه‌شان بر علیه رژیم خونخوار پهلوی هزاران کشته و زخمی دادند و مبارزات توفنده‌های مردم در آن وقت در یک سطح وسیعی از جامعه گسترش یافته بود، عنوان شده است. دکتر سحابی در پاسخ این سوال که مهمترین وظیفه دولت جدید چیست، می گوید:

"... در سالهای گذشته امکان فعالیت سیاسی برای گروههای مختلف فراهم نبود و به همین دلیل بسیاری از نیروهای مبارز اجتماعی خود را کنار کشیده و یا در جاشبه فعالیت ادا می می دهند. در حال حاضر بسیاری از نیروها به میدان آمده و آماده فعالیت هستند. دولت جدید باید این امکان استثنائی استعداد کند ..."

دکتر سحابی در مورد فعالیت های اجتماعی آینده خود همگرا تیش گفت:

"ما تا کنون فعالیت مشخص سیاسی نداشته ایم و حرفه‌ای هم که در چند سال اخیر زده ایم خیر- خواهان بود در جهت منافع مردم بوده است که متاسفانه تا کنون بگوش کسی نرفته و با آن تعبیر خاص شده است."

وی افزود:

"فعالیت ما در آینده بستگی به شرایط و اوضاع و احوال روز دارد..."

دکتر سنجابی نظر خود را در مورد سوال مربوط به دولت شریف‌امامی اینطور بیان می دارد:

"عجالتاً اظهار عقیده معذورم. زیرا تا سرانجام دولت جدید اعلام نشود نمی توانم اظهار خوشبینی بکنم. باید "عمل" در پشت کار باشد. تاکنون حرف زیاده زده شده است. اگر دولت بخواند مذاکره کند ما حاضر به مذاکره هستیم..."

مهندس بازرگان رهبر "نهضت آزادی ایران" نیز در صحیحی که خبرگزاری فرانسه با او کرده، ابراز خوشبینی نموده که اگر نا رضایتی عمومی بر احزاب فاش نگردد و اینکه آنها امید بسیاری است که آنها بتوانند در آینده را شکل بدهند از سن می رود. بازرگان گفت:

"این جنبش بیرونی و داخلی و خودبخودی است، ما فقط می توانیم آن دنباله روی کنیم. به اینکه آنرا که می‌کنیم، زیرا که گمانند ما از طریق مینینگ‌های غیر منطقی خود را بیان کنیم."

(روزنامه‌های ما در پنجم شهریور ۵۷)
آقای مهندس بازرگان لیبرال و همکارانش در برابر تداوم و گسترش جنبش توفنده‌ها و در مقابل خواست های انقلابی آنها که خواهان انقلاب و سرنگونی رژیم



● در آستانه قیام هرهشیدی که در خون خود درمی غلطد، خلق فریاد می زد: رهبران ما را مسلح کنید... اما رهبران چه کردند؟!!

قیام بطور عمدۀ با خون و فداکاری زحمتکاران به پیروزی رسید، اما لیبرالهای سلطنت طلب و فرصت طلبان از راه رسیده بودند حاصل آنرا

پهلوی بودند سخن به وحشت و هراس افتاده بودند. آنها کوشش می کردند تا برانقلاب توده ها مها رزده و حتی برای همین منظور ضمن مذاکره با آیت الله خمینی در فریب نیاورده و مواضعی ملایم تر و معتدل تر از ایشان کردند. قدرت اقتدار یافته جنبش توده ای از یک طرف و قاطعیت آیت الله خمینی در مبارزه بر علیه شاه از طرف دیگر بر تکیه های لیبرال ها را سرای مدنی نقش بر آب ساخت. این را لیا بعد از اینکه موضع آیت الله خمینی در قبال آنکار رژیم پهلوی و پیشرفت و موفقیت های چشمگیرش دیدند، این دفعه با تغییر تاکتیک و از طریق سنجش شرایط توانستند برگردند. انقلاب سوار شوند.

بعد از آمدن آیت الله خمینی به ایران در دوازدهم بهمن ۵۷ بازرگان از طرف آیت الله خمینی به نخست وزیر موقت وینا را نش که عموماً در دولت آزادی ایران بودند به پیشنهاد وزارتنی انتخاب کردند. بازرگان از همان اول تمام مساعی خود را بکار انداخت تا از طریق سازش و مصالحه با دولت بختیار رهبران ارتش و آمریکا انتقال قدرت را به شکل مصالحت آمیز و بدون آنکه به ارگانها و نهاد های رژیم ارتجاعی شاه صدمه ای بخورد به انجام برساند. بازرگان در اولین مصاحبه خود که بعد از نخست وزیر شدن انجام داد در مورد بختیار رهبران ارتش و اینکه مذاکرات در چه مرحله ای است گفت:

" اجازه دهید که این موضوع را فعلاً برای خودم بنگهدارم و جوابی بدهم."
(کلیان ۱۶ بهمن ۵۷)

همچنین کلیان در ۱۸ بهمن راجع به مذاکرات سری با زرگان با مقامات و رهبران نوشت:

"منابع مطلع گفتند که در ۴۸ ساعت گذشته مذاکرات وسیعی را با زرگان با مقامات و رهبران گروه های مختلف برای تدوین بنیانه اجرایی با توجه به رویداد های دوروز اخیر آغاز کرده است. منابع مطلع با دوری گویند که در این مذاکرات کوشش شده است که برای تغییرات بنیادی در رژیم ایران راه هایی مصالحت آمیز تهیه شده و طرفین کوشش کرده اند حتی به منظور نگاهداری این مذاکرات در

سینای مذاکرات مورد توجه قرار دهند".
آمریکا و مرتجعین داخلی نیز سازش و مصالحه را بهترین راه حل شخصی می دانند. کلیان در اول بهمن از قول یک مقام بلند پایه آمریکا شای نوشت:

" اگر هر شیخ ضمن ادا محکوم کردن دولت فعلی ایران به کشور با برگردد " سرخوردی" بوجود خواهد آمد و این خطر را در بر خواهد داشت که "غیا میرا دیگال" برای دست گرفتن قدرت از آن استفاده نماید.

بختیار رهبران ارتش و آمریکا برای یک سازش و مصالحه ای بودند تا انتقال قدرت بصورت کاملاً مصالحت آمیز و "فنا صوتی" انجام یافته تا هیچ صدمه ای بر ارگانها و نهادهای سرمایه داری وابسته وارد نگردد. در روز نوزدهم بهمن ماه ضمن اینکه ارتش قدره با می رئیس ستاد دیزوک ارتش را از ارتش را از داخل در مسائل و امور سیاسی بر حذر می داشت. مطبوعات آن روز خبر از مذاکرات مهمی بین بازرگان، بختیار رهبران ارتش برای بیدار کردن راه حلی برای پایان بخشیدن به

● در حالیکه توده ها در تب صلح شدن برای سرنگونی رژیم شاه می سوختند ، بورژوا لیبرالها در پشت پرده برای به سازش رسیدن با بختیار خائن و فرماندهان جلا ارتش پلک برهم نمیگذاشتند .

● ۱۶ بهمن - بازرگان راجع به مذاکرات سری با مقامات رژیم سابق می گوید : " اجازه دهید این موضوع را فعلاً برای خودم بنگهدارم و جوابی ندهم !"

● ۱۸ بهمن - اعلام مذاکرات ۴۸ ساعته بازرگان و . . . با بختیار بود بگر مقامات برای رسیدن به راه حل صلح آمیز .

● ۱۹ بهمن - اعلام مذاکرات مهم بین بازرگان ، بختیار و فرماندهان ارتش

● ۲۰ بهمن - توطئه های خائنانه لیبرالها - اگر چه بطور موقت - نقش بر آب می شود و خلقهای ایران قیام پرشکوه را می آفرینند !

شرایط موجود را داد .

آن روزها مردم تهران و جان برکف حدافصل توجیهی به این مذاکرات و زد و بند های بغایت ضد انقلابی بورژوازی لیبرال با سران ارتش و بختیار ندا نشدند ، توده ها همچنان خواهان سرنگونی رژیم پهلوی ، نابودی کامل سیستم سرمایه داری وابسته ، نابودی سلطه و حاکمیت امپریالیسم بودی تمام ارگانها و نهادهای ارتجاعی و ادا نه انقلاب تا به آخر بوندند . آنها در کوجه و خیابان خود را برای جنبش روزی و بحاطط سازماندهی و تبلیغ جنبش خونخوار آماده میکردند . آن روز ، روز قیام مسلحانه بود . مردم همه قیام کردند ، قیام برای صلح شدن همه جا این شعارها شنیده می شد " بعد از ما نهوبت آمریکا است ، ما را مارا صلح کنید " و . . . همه ایران منتظر قیام بودند . منتظر زمان شروع یک آفرینش تاریخی . نشین قیام قیام قیام " در باره " خود قیام جنبش تذکرمی -

دوروز پس از سخبات با زرگان به نخست وزیر موقت هودینک "بزرگوار" "نخست وزیر بازرگان گفت :

" حقیقت اینست که آنچه نمی توانم در برابر مردم عظیم حیا باشی منطبق بر سیاست آیت الله خمینی در مدت زمان کوتاه دربارش و بیس از بارگشت به تهران نادیده مورد "

(مطبوعات ۱۸ بهمن ۵۷)
همچنین مطبوعات در روز ۱۸ بهمن درباره مذاکره بنگما هژرتال ها بزرگوار فرمادندان نوشتند که عقیده هژرتال آمریکا شای " کوه در کوه شدت عمل توام با خونریزی دست گمراهی زود بود این شرایط می نتایج است " مجموعه این سخنان و حقایق بسیار دیکر نشانده توافق ضمنی بین وزاری لیبرال بازرگان - سپینتی و . . . و دولت



رهبران نخواهند و نتوانستند آنها را مسلح کنند ، بنابراین خود اینکار عمل را بدست گرفتند

قیام ۲۲ بهمن بار دیگر ثابت کرد که در انقلاب خلقها بدون رهبری طبقه کارگر نابودی ارتجاع و محو سلطه امپریالیسم امکان پذیر نیست

دستخوش دادن به ضدانقلاب و سرکوب نیروهای مترقی : این است گوشه‌ای از کارنامهٔ یکسره حکمت بازرگان و شورای انقلاب

● در یکسال گذشته، پسران شاهنشاهی و حامیان و جاسوسان امپریالیسم بسیاری، از مواضع حساس را در دست گرفتند

تیمسار شاکر:
یکی از نزدیکترین دوستان شاه که سالها در "دفتر ویژه" اطلاعاتی ارتش خدمت میکرد. دفتر ویژه اطلاعاتی جز "قسمتهای محرمانه" ارتش و رابط شاه با دستگاه دولت بود که سالها امنیت و ضد اطلاعات ارتش را تحت کنترل خود داشت. او جز اولین سری از امیرای ارتش بود که از تاریخ اسفند ۵۷ بازنشسته شده و بعداً با زداشت و دو ماه در زندان بسر برد.

تیمسار فلاحي:
که از دوستان نزدیک سرلشکرایسی خاثن بود و درجه سرتمیسی اش را بعد از ۱۷ شهریور گرفته و زمانی فرماندها تا جنگ را در رژیم شاه خاثن بهیچگونه نداشت. وی قبلاً بستهای هم چون معاونت ضد اطلاعات نیروی هوایی، معاونت تبیینا ده شیراز و ... را عهده داشت. در جریان مبارزات ضد امپریالیستی در سرکوبی مردم مبارز شیراز دست داشت. پس از قیام وی بعنوان یکی از مزدوران رژیم گذشته بازنشسته میشود ولی بعداً چند روز به فرماندهی نیروی زمینی منصوب می گردد.

سرتیپ آذری:
که در سال ۱۳۵۳ درجه سرهنگی داشت و یکی از فرماندهان ارتش مزدور شاه در طرا بود. وی پس از قیام به فرماندهی غرب کشور گمارده شده است. در اینجا میتوان از چمرانها، طهرنژادها، مدنی ها، اردلان ها، مولوی ها و تعداد دیگری از مزدور دیکرنا مبرد، تنها در ارتش ایران به گفته بنیادگن ۱۵۰۰۰۰ نفر تا بلات طرفدار آمریکا وجود دارد.

دولت موقت در ماههای پس از قیام، با کینه به اعمال قهرجناح خرده بورژوازی مرفه (سنی) نسبت به مزدوران رژیم گذشته می نگریست. پس از ظهور انقلاب، رژیم موقت بلند میشد و از اعمال "قساوت" به این دوستان نشان برخورد می نالیدند، هر چند این دوستان انقلابی نه آنگونه که توده ها می طلبیدند بلکه ناقص و ناپیکر نبود. نگاهی به لیست اعدای میانی بعد از قیام نشان میدهد که از مجموع حدود ۱۰۰ نفر اعدا شده از ارتش و نیروهای انتظامی، ۷۵ نفر (۷۵٪) دارای رتبه سرهنگی و بالاتر از آن، ۲۱۰ نفر (۲۱٪) دارای درجه سرگردی و ۱۷۴ نفر (۱۶٪) دارای رتبه سروانی و پائین تر بوده اند. همچنین تاکنون حدود ۶ نفر ساواکی و حدود ۱۸ نفر ارتش دیکرنا رژیم شاه و حدود ۳۰ نفر از دیکرنا بستگان و مزدوران رژیم سابق اعدا شده اند. در این بین چه بسا افراد مثال شیخ الاسلام زاده ها توانستند از جنگ انتقالی بگریزند در حالیکه مثال "سپهبدان فریب بر زمین ستاد لشکرگارد در جریان وقایع ۱۵ خرداد ۴۲ و سالها هتک کننده" ستاد کل ارتش در جریان مبارزات سالهای ۵۶ و ۵۷ فقط به ۳ سال حبس نا دیبسی (!!) محکوم میگردد، و "سرهنگ پرویز غفاری" رئیس کارردا تشکلهای تهران، عامل حمله بکوی دانشگاه و

عناصروا بسته میتوانند نمونه ای از ماضی لیبرالها با امپریالیسم و وابستگی را بخوبی نشان دهد:
امیر انتظام-
سخنگوی دولت موقت "انقلابی":
مزدوری که با بزرگان دربار شاه می گفت: نمی توانم با کتراز بزی، امیر انتظام و مصاحبان را پیدا کنم. این سرسپرده امپریالیسم آمریکا با نیروی و کساحی شما مدرتلو بیرون ظاهر میشود و نیروهای انقلابی را "فدا انقلاب" معرفی میکند.

تیمسار آذری:
که در سال ۱۳۵۳ با ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در مقام معاونت تیپ رشت، آنجا که در کوروش و سوزکوب انقلابیون این شهر پیدا خت که رژیم شاه خاثن از وی بعنوان "فهرمان بیگانه جانی" نام می برد در ۲۲ نووروز سال ۱۳۳۴ به دربارت یک قطعه تشکلهای "ازدب" "مبارک" اعلیحضرت مفتخر میگردد!! و در ۱۳۳۶ به معاونت کل ستاد ارتش تا هتلا می رسد. قهرنسی در مورد خودش می گوید: "در مورد امپریالیسم باید بگویم که من از سال ۳۳ تا ۳۷ رئیس رکن بودم"، در این فاصله رکن دوم ارتش را به عبارت دیگر "خدا اطلاعات" که بعنوان "شعبه ای از اداره جاسوسی ارتش در درون ارتش ایران کار میکرد، تعداد دکتوری از انقلابیون جان برکف و از جمله افسران و نظامیان همین برست را به جوخه اعدا م سیده بود.

دولت موقت با بزرگان امپریالیسم از روی کار آمدن، تنفر خوبی را از قیام مکتوم کرده و با شما بش گذارد. همچنانکه با بزرگان دربار مکتوم همین ماهها را علامه داشت: "ما با زبان می خوانیم اما با بدن نشان (!!) میل آمد (!!)". دولت بازرگان برای بازاری خرابی هایی که هر دو بخش ما شد دولتی - نظامی و اداری - از سیل خروشان برای همین ماه دربارت کرده بود، دست بکار شد. اما کسانی جز دستبروردگان رژیم سابق - آنان که خوش خدمتی خود را به امپریالیسم ثابت کرده بودند - می توانستند چنین وظیفه ای را بدرستی به انجام برسانند؟ از این رو سرریکا یک عامل امپریالیسم آب تویور بخنده میشود و جلادان و غارتگران دسترنج توده ها، هتلا که سالها بر جنازه "شهیدان خلق بهر نفس و پاکوبی برده خسته بودند، نشان "انقلابی" و "اسلایی" دربارت میکنند. در فرادای قیام توده ها، معاونین فرماندهان مزدور ارتش بجای روسایشان بر این قوای سگانه فراموشی کردند. فریبدها، مبدیون ها (۱)، مدنی ها، اردلان ها، مولوی ها و ... بر بستهای حساس ملکیتی نشانده میشوند. اما شور انقلابی توده ها بسیار با لامت و دولت موقت برای پاسخ موقت به آن چاره ای جز بازنشسته کردن بخشی از فرماندهان شناخته شده ارتش و بوروکراتهای رژیم شاه خاثن ندارد و زمینه ای برای گزشت عناصر وابسته به امپریالیسم که کمتر در ستان در زندان توده ها روده سالها با جاد نماید، با آوری چند چهره از این



بعد از ظهر ۲۱ بهمن سرتاسر تهران سنگر بندی شد، مردان و زنان و حتی کودکان نیز دست بکار شدند

درود بر تمامی شهدای راه آزادی و استقلال میهن

پیکار ویژه نامه مقام (۱)

مربوط به کمیته‌ها و شورای انقلاب میگویند که کمیته‌ها پشت سفارت آمریکا به ما مربوط نیست اما هیچ کس نمیداند منبع قدرت این کمیته‌ها کجا است... سعادت‌ها هنوز در زندانهای رژیم گرفتار است.

- دستگیری حامد شیبانی و نیز ۴۱ نفر از اعضای و هواداران جریکهای فدائی در خوزستان.

- بازداشت رفیق افخم احمدی عضو گروه "زمندگان آزادی طبقه کارگر".

- واخبر دستگیری رفیق "محمد یزدانیا" عضو گروه "انحاد مبارزه در راه آزادی ایران طبقه کارگر"، مبارزی که ۱۲ سال در حبس و خلق بیرغیله مبارز لیسم و

دارد... و از آنجا می شود برای کنترل بیگانگان و جاسوسان خارجی استفاده کرد" - کیهان ۱۳۵۸/۱/۱۱ - و واضح است که از دید این مزدور آمریکایی لیسم آمریکا، جاسوسان خارجی کسانی جز انقلابیون میهن منتهی باشند.

شورای انقلاب نیز در تاریخ ۴ تیرماه ۱۳۵۸ قانونی بنام "قانون جرایم ضد انقلاب" را در روزنامه - هاجاج می رساند که بخش مهمی از آن، دستخست رضاخان و پسر مزدورش می باشد. و بخصوص ماده ۴ این قانون همان قانون سیاه کمونیستی ۱۳۱۵ رضاخان است. این قانون به کارگران مبارزین و زوجه ۲ تا ۱۰ سال حبس برای اعتراض، علیه سرما پسه داران میدهد.

سرکوبی دانشجویان مبارز و "سرهنگ شاه بیگانه" عامل قتل استاد شهید کاثران نجات الهی بجرم نبودن مدارک کافی (!!!) زندان آزادی می کردند، تعداد زیادی پاساژها و گروهها و... که بدستور همیسن امرا (وجهی برای ناآگاهی) به سرکوب خلیق پرداخته بودند به اجبار محکوم میشوند.

دولت موقت که در عمل قهر انقلابی نسبت به وابستگان رژیم خائن سر بوحشت افتاده بود، دست به تلاش گسترده ای زد و سرانجام در آستانه نوروز ۵۸، امیرانتظام جاسوس، سخنگوی دولت موقت اعلام نمود که بزودی فرمان "عفو عمومی" در زیر پرده "عفو عمومی" به جانبانی که پیش از ۲۰ هزار نفر از ۱۰۰۰۰۰ نفر از زخمی نموده و سالها به شکنجه بهترین فرزندان خلق و وسطانی رژیم شاه خائن مشغول بودند، تقدیم کردید. "عفو عمومی" دستخوش مردم رانی بود که سالها در اردوستان توده های زخمی را بحسب اربابان امپریالیستشان سرازیر نموده بودند.

با زرگان، رئیس دولت موقت در حمایت از مزدوران امپریالیسم با از این فراتر نرفته و حتی از ما و اکیه نیز حمایت کرده و "اعتراف" و "اعلامیه" در درون ما و اک بر علیه رژیم شاه خبر میدهد (!!!).

(بنیام نثوریونی با زرگان، کیهان، ۱۳۵۸/۲/۵)

دولت موقت که از اعمال قهر انقلابی نسبت به وابستگان رژیم خائن شاه بوحشت افتاده بود، دست به تلاش گسترده ای زد و سرانجام در آستانه نوروز ۵۸، امیرانتظام جاسوس، سخنگوی دولت موقت اعلام نمود که بزودی فرمان "عفو عمومی" صادر می گردد. "عفو عمومی" به جانبانی که بیش از ۷۰ هزار نفر از ۱۰۰۰۰۰ نفر از زخمی نموده و سالها به شکنجه بهترین فرزندان خلق در زندانهای قرون وسطانی رژیم شاه خائن مشغول بودند، تقدیم کردید. "عفو عمومی" دستخوش به مزدورانی بود که سالها در اردوستان توده های زخمی را بحسب اربابان امپریالیستشان سرازیر نموده بودند.

ارتجاع داخلی پیکار نموده است. یکی دیگر از توطئه های رژیم بر علیه انقلابیون سفید در صفحه ۹

(۱) - این روزها قصداً رند می بینیم - فرمانده سانی نیروی هوایی دولت موقت "انقلابی" - را حاکمه نمایند. روزنامه "اطلاعات" در تاریخ دوشنبه ۸ بهمن ۱۳۵۸ از قول مقامات رژیم اعلام نمود که نهادین به همراه گروهی دیگر بحرم و بانگی به رژیم سابق مورد حاکمه قرار خواهد گرفت.



رژیم با چنین توطئه هایی به مبارزه با انتقال بیون میهن می پردازد. در پی سرکوب خلق عسرب توسط مدنی جلاد، دستگیری از انقلابیون منطقه تحت عنوان "مهاجران"، "واحد فتنه" اسلحه از عراق و... به جوخه اعدا می دهند. پس از یورش به کردستان و در پی آن، تهاجم به تهران و تاسف خلق کرد نیز بسیاری از نیروهای مبارز و انقلابی منطقه در پیدا دگا هیای خلخال به اجبار محکوم می گردند. تنها درما هیای مراد و شهید در پیست ۱۰۰۰ مورد اعدام ضد انقلابی توسط رژیم انجام گرفته است. انقلابیونی چون بهمن عزتی، هرمز بی بیانی، دکتر رشوند سرداری، حامد مینتی، ناصر سلیمی، امین و مصطفی سلطان و دهها رژیمنده را "خلق" "مدا انقلاب" نام گرفته و قلب پر طپش آنان آماج گلوله های دژخیمان قرار میگیرد. کرجی بیانی به همراه بهمن عزتی، مظفر قاضی، هوشنگ عزیزی و ۷ مبارز دیگر در سرخا خونین ۲۸ مرداد به شهادت می رسند. برآستی چهره دناک است که پس از قیام خونین شده ها، خلق کرد در چنین روزی شاهد بخون غلطیدن فرزندان خود باشد.

هیئت حاکمه تنها به کشتن انقلابیون میهن بسنده نکرده و انواع توطئه ها را در مورد آنان بکار گرفته است. بسیاری از مبارزان تا کتون دستگیر شده و مورد شکنجه و آزار قرار گرفته اند که بعنوان نمونه میتوان موارد زیر را ذکر نمود:

- دستگیری و شکنجه مجاهد محمد رضا سعادت که توسط کمیته پشت سفارت آمریکا بوسیله عمل ساواک انجام گرفته است. این عمل آنچنان وقیحانه و دهن کجی به قیام خلق بود که حتی صدای اعتراض لیبرال هائی همچون بنی صدر را در آورد. روزنامه "انقلاب اسلامی"، در آن هنگام نوشته بود: "همه مقامات

اما میوه چینان انقلاب اگر این چنین به ضد انقلاب دستخوش می دهند، با انقلابیون میهنمان چگونه برخورد می کنند؟

کمیته های امام درید و ما بر می توانیم ارگان قدرت خرده بورژوازی مرفه (سنی) همواره از شروع تشکیل خود تا مرحله حل شدن در دولت - ۳۰ تیر - دوگرایش انقلابی و ضد انقلابی را با خود حمل می نمود. در کنار اعدا م انقلابی و وابستگان رژیم سابق، میتوان از اعدا محمود رئیسی بجرم مصداق "بانک صادرات در دوره" بختیار، حمله به کارگران پارس مینو و زخمی نمودن ۱۶ نفر از آنان، حمله به کارگران بیگسار اصفهان که منجر به شهادت رفیق نامرئوفیسیان و زخمی شدن عده ای دیگر گردید و... و نیز نمونه های فراوانی از دستگیری و شکنجه انقلابیون را توسط کمیته های امام یادآوری نمود. هر روز که از قیام میگذشت، گرایش انقلابی این ارگان کم رنگ تر و گرایش ضد انقلابی آن پررنگ تر می گردید تا سرانجام در ۳ تیر با ادغام شورای انقلاب و کمیته ها در دولت سرما به داران لیبرال و کمبرادور، بورژوازی توانست این ارگانها را به زاید خود بدل سازد و از آنها جامی برای سرکوب هر چه بیشتر انقلابیون فراهم سازد.

اما دولت موقت بعنوان ارگان قدرت لیبرالها و کمبرادورها، از همان ابتدای روی کار آمدن به توطئه بر علیه انقلابیون پرداخت. امیرانتظام تجدید دستگا جهنمی ساواک را به توده ها بشارت داده و اعلام نمود: "یک گروه منفرد برای تصفیه سازمان امنیت اعزام شده اند. این سازمان وسایل سازمانهای عظیمی دارد که میلیاردها دلار ارزش

ماسک آزادیخواهی و ضد امپریالیستی لیبرالهای سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم

آیا در طی یکسال گذشته وضع زنان تغییر کرده است؟

آیا در آینده قانون دست‌پخت خبرگان آزادی واقعی زنان را تضمین میکند؟

توسط مردان و زنان را می‌آورد و در مقابل اشاره می‌کند به قوانین اسلامی که این تساوی را نادرست می‌داند.

از دیدگاه ما شکی نیست نهضت آزادی بخوانی زنان که در یک دوره در مقابل غریبی اوج گرفت دقیقا برای زیراستقامت رکودت نیروی کار ارزان زنان بود، بدون اینکه زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی را برای رشد و فراهم کند، بدون اینکه اجازه رشد و رسیدن به مقامات مهم را در دستک‌های دولتی و... بوی ندهد. فقط و فقط استنادها از نیروی کار ارزان وی نسبت به مردان مورد نظر بوده و نه رشد قوه استکار و استعداد موجود در یک انسان. در مقابل، موازین اسلامی نیز نوعی از رشد زنان جلوگیری می‌کند. در همین کتاب می‌خوانیم: "لذاتنها مطهرتین، بلکه مطهرت مرد و کودکان خانوادگی نیز در اینست که زن از تلاشهای اجباری خود گذشته معاش معاف باشد. مرد هم میخواهد که نون خانوادگی برای او کانون آسایش و رفیع حسنگی و فرا موخا نه گرفتاریهای بیرونی باشد. زنی قادر است کانون خانوادگی را محل آسایش و فرا موخا نه گرفتاریها قرار دهد که خود به اندازه مرد خسته و کوفته کار بیرون نباشد. وای بحال مردی که خسته و کوفته با بختا نه بگذارد و با همسر خسته تر و کوفته تر از خود روبرو شود."

در حقیقت این فیلسوف اسلامی علت حسنگی و کوفتنگی هر یک از زن و مرد را جواب نمی‌شود و بر سیستم سرمایه داری و بر اینست که تمام توان زمینکنان را در طول روز میگیرند و به ارزش اضافی تبدیل میکنند، سرپوش می‌گذارد. مسئله همین جاست که چنانچه سیستم حاکم بر جامعه معاف و خواست شده‌های مردم را در نظر داشته باشد، هیچیک، بجز زن وجه مرد از کار

بیرون خانه (برای زنان کارگر) و بدون کشیدن مسئولیتهای خانه از یکطرف و فرهنگ عقب مانده از طرف دیگر که بر توده‌ها حکم میراند، اجازه یک حرکت بنیانی را به آنان نمی‌دهد.

اما قوانین خبرگان چگونه در عقب نگاهداشتن زنان نقش دارند

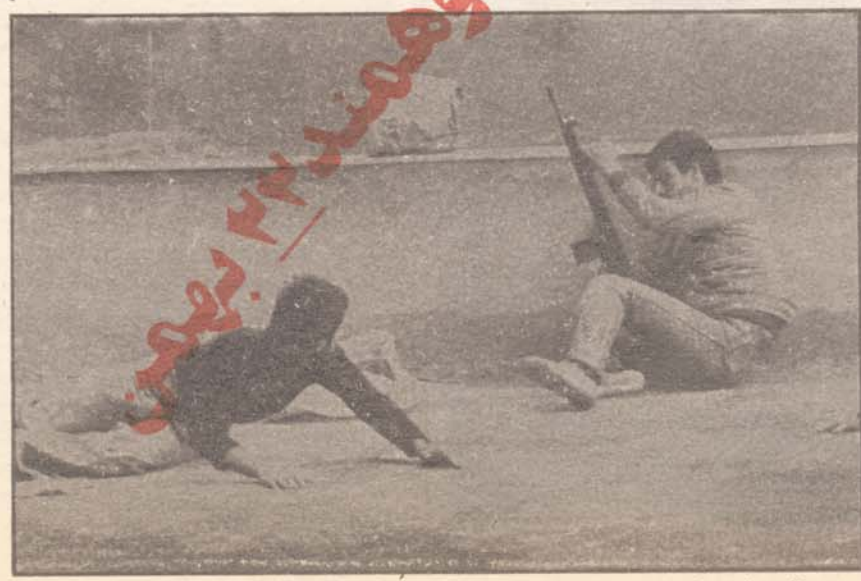
در اصل بیستم چنین نوشته شده است: "همه برادریها در امر اوزن و مردیکمان در حمایت قانونی برابرند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی بر خورند". در این اصل، زن و مرد هر دو میتوانند از حقوق انسانی و سیاسی و اقتصادی و... با رعایت موازین اسلامی برخوردار باشند. در این اصل مساوی بودن در مقابل قانون مطرح شده است یعنی بیان نکرده که زنان و مردان در مقابل موازین مساوی هستند و استفاده از این موازین را به شرط رعایت موازین اسلامی در نظر گرفته است! برای اینکه اصول خبرگان را از زبان صاحب نظران اسلامی تفسیر کنیم به کتابی از آیت الله مطهری اشاره می‌کنیم: در کتاب "نظام حقوق زن در اسلام" ایشان، صفت ۱۰۹ تا ۱۱۱ (نقل بمعنی) چنین بیان میکنند که فلاسفه غرب زنان و مردان را در همه امور متساوی میدانند و برای آن مثال می‌زنند و می‌گویند: "تساوی سیرت و انجام کارهای سنگین در یک کار"

آیا در آینده قانون دست‌پخت خبرگان، آزادی واقعی زنان را تضمین می‌کند؟ آن روز غرض خلقهای پیشین بر زمین ما را بلرزده در آورد. آن روز خون سرخ سپهران را بر سر روزی خلق را گلگون نمود. آن روز سباهیان و سوارانهای بسجده دوران پهلوی به زباله‌دان تاریخ سپرده شد. آن روز خلق بود و خون، خلق بود و مسلمانی... خلق بود و اتحاد... و زنان، این مستبدگان قرنهای پیشین و مستبدگانه طوما رخا فئات و تفکرات عقب مانده را درهم پیچید و قوانین ظالمانه اجتماعی را که هزاران سال است بر سر گردنه زنان رخنه کرده سنگینی میکند، زیر کارهای استوار خویش لگدکوبت ناما بندودز این روز... زن بود و خون... زن بود و مسلمانی... زنان بودند و مردان و آنان یکبار رجه و همچون نینی واحد، مفت خویش را سوی خونخواران و استعمارگران و استعمارگران برنات کردند و دنیا را دیگر غرض سیرت زنان این سرزمین زنان مبارز و فداکار در دوران مغربیت و مبارزان ستارخانی را با خنجر آوردند... اما...

در سال گذشته ما شاهد اعنایات در کارخانجات مختلف و نیز نظرات کارگران سیکار برای گرفتن یکی از حقوق حقه خویش یعنی محل و مکان برای عبور و تنیاد نظرات خویش بودیم. بعد از قیام بهمن ما دنیا چندان نموده‌های زمینگی خلق را با شیوه صبر و استقامت و شاکت نگینا شدند اما دعوت به صبر و انتظار رچندان دوا می‌نبا و در دوما شاهد مبارزه در کارخانجاتی که زنان نقش مهمی را در تولید و رتیبودیم، مانند کارخانه‌های: دکستر، عبیدی، گدیه و بیروزیها بی نبردست یافت. نخ زین، استارلیت (که تجربه درس آموزی برای همه کارگران داشت)، دوزنگی ناطمی (که شرح آن در پیگاری ۳۹ آمده است)، کفش ملی بخش کابور، همچنین کفش وین، شادان پوزو... و اخیرا فرقه زیبا. نمونه‌های بالا نشان دهنده و جگری مبارزه در میان زنان کارگراست. همچنین در این چند ما شاهد بودیم که امکان کار را از زنان قاضی گرفتند و به آنها گفته که حق کار در این رشته را ندارند، بهتراست که بکار آموزگاری و پرورش کودکان بپردازند.

فریاد قیام برای پیکار بایسواد

از نظر فرهنگی شعرا آموزش بیسوادان اینروزها کوش را گرمی کند. سیستم آبا زنان جامعه از این شعرا نشی که تفبیر زینتای در وضعیت بفرنج آنان نمی‌دهد چه بهره‌ای می‌برند؟ کلاسهای بیکار بایسواد تشکیل میشود، اما زنان کمترین افرادی هستند که در آن شرکت میکنند چرا که اصلی ترین اشتغالات آنان بیسی کار در



● بیکار جوانان برای تسخیر یک پادگان ارتشی سنگر گرفته اند...
۲۲ بهمن اولین سالگرد قیام مسلحانه و شکوهمند خلقهای ایران گرامی باد!

روا به حسد خواهد بود. چنانچه در یک جامعه سوسیالیستی افراد آنگاه که از یکدیگر سودمند و بی بهره نیستند در حالیکه کسی مثل آیت الله مطهری علاوه بر سوادش ما هم به دستش متمایز است. اقتصاد جامعه زنان را هم در نظر میگیریم. سبکدو اجازه برای شرکت در تولید جامعه و نیز در امور حریات سیاسی و اجتماعی را می دهد. مثلا از نظر اقتصاد شرکت زنان در تولید را حسن مطهری میگوید: (ص ۲۳۵)

“ زن از حسد مالی و مالیاتی برخوردار نیست. مرد است و مرد در جنبه روحی زن بطور انحصار میسرود. سیموا و سیمارهای فراوان مادی خود را از جنس برابر مرد است ربح کند، از این رو اعلام همه سیموای زن را غنچه است. او معنی کرده است...”

مخروم شدن زنان را از نظر فرهنگی و سیاسی و اجتماعی در ص ۱۵۱ می بینیم: “... هیچکس از روی با اعتماد کربا اسناد یا معلم با افسروبا سربازها و سربازان با اسناد یا بده است، اینها مزابا و خصوصیات است که حق اکتسابی بشر است، یعنی افراد در برترسو اسناد و اسناد دوکا رونق لیت با بده آنها را از اجتماع سبکدو اجتماع با یک قانون قراردادها آنها را از افراد خود و اکتسابی کند...”

صورتیکه سی علائقی از زن شروع شود مرداگر عاقل و وفا دارا شد می تواند با ابراز محبت و مهر با نسی علاقه زن را بازگرداند... ولی برای زن اهاست و غیر قابل تحمل است که برای حفظ حاکمی و دلباخته خود بزور و اجبار قانون منوط شود. (ص ۲۸۵)

مبیتی برای ن نوشته یعنی در صورت بالا مسرد حق طلاق دارد، ولی زن نیا بد برای زندگی که دیگر امید بی بهیودیت نیست اقدام برای طلاق نماید.

و مهمترا اینکه در ص ۳۱۲ چنین می گوید:

“ در اینجا ذکر یک مطلب لازم است و آن اینکه همه سخنان ما در باره این بود که طلاق بصورت یک حقوق طبیعی از مختصات مرد است اما اینکه مردمی توانست بعنوان توکیل مطلقا با در موارد خاصی، از طرف خود به زن حق طلاق بدهد مطلب دیگری است... یعنی زن حق طلاق ندارد مگر خود مرد در زبان عقد بدون اجازه طلاق را بدهد.

عنوان کردن مادران نایسته یعنی چه؟ محیول است. مادر نایسته از نظر قانون اساسی کیست؟ و بعد هم یک شرط دیگری یعنی در صورت نبودن ولی شرعی یک مادر نایسته می تواند از فرزند خود نگهداری کند در صورت بودن ولی شرعی مادر نایسته زهن نمی - تواند خود به نگهداری از فرزند بپردازد.

x x x

ما معتقدیم که فقط در صورت استقرار جمهوری دموکراتیک خلق، زنان همچون بقیه اقشار رستمکن جامعه از قید استعمارها رها خواهند شد، ما معتقدیم، فقط جمهوری دموکراتیک خلق قادر خواهد بود حقوق با همال شده زنان را احیا کند و سر تا مه موقت ما در مورد زنان چنین است:

- تساوی حقوق کامل همه اشباع، صرف نظر از جنس دین یا نژاد.

- تامین آزادی زنان و تامین شرایطی که استعدادهای آنان شکفته شده و بطور مساوی همراهِ مردان به ترمیم و حیران عقب ماندگی اجتماعی خود اقدام

همچنین در بند ۵ اصل بیست یکم میگوید: عطا ی قیمت فرزندان به مادران نایسته در جهت غنچه آنها در صورت نبودن ولی شرعی

با مبارزه قهرآمیز توده های، انقلاب راه آخر برسانیم

اگر واقعا خواهان تاز نویدی طعمی رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و قطع سلطه و نفوذ امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم امریکایی در ایران هستیم، و اگر نمیخواهیم بکار دیگر تیره شوم ۲۸ مرداد ۳۲ و انقلاب مشروطیت بوفه نیونند، باید به مبارزه قاطع و قهرآمیز امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته به آنها بپردازیم. هر گونه دستکم گرفتن قدرت دشمن و هر گونه گم بها دادن به دشمنان نیز تبلیغ راه سالت جوانه در قبال دشمن سر تا پا صلح و در عین حال زخم خورده، یعنی سازش در برابر امپریالیسم و توکران داخلی است. یعنی مبارزه با انقلاب و تبدیل آن به جمهوری نیم بند و باز داشتن آن از سرحرکتی است که توده های خلق با سازمانی و فداکاری بسیار آنرا آغاز کرده و خواهان به انجام رساندن آن هستند.

- یمن سوی تشکیل ارتش مسلح خلق!
- سرگون با رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم شاه خلق!
- بسر فرار با جمهوری دموکراتیک خلق!
- سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر.

قراکتی از سازمان در بهمن ۵۷:



● جنگیدند و دل را به شهید دادند...

یعنی چنانچه بین افراد از نظر طبیعی اختلافاتی وجود داشته باشد همان اختلافات بتدریج موجب تساوی شدن در استفاده از حقوق می گردد. از جمله احزاب و تشکلهای اجتماعی و تحصیلات...

تمام مطالب بالا نشان می دهد که چگونه اصل سیموای قانون اساسی زن را بواسطه اختلافات از نظر جنسی بتدریج در کم حقوق و مزایا در اجتماع از مردان عقب نگاه میدارد.

در اصل بیست و یکم چنین آمده است: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات مساوی با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ۱- ایجاد در زمینه های مسا عدلی برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.
- ۲- احیای حقوق مادی یعنی چه؟ توضیح آنرا از همان کتاب می آوریم، در صفحه ۲۳۴ میخوانیم: “اگر زن محسوبا ندما شد مرددا شما در سلاتش و کوشش و در حال دودین و بیول در آوردن باشد، غرور س در هم می کشد، جن ها و کوره های که گرفتار بیسای مالی به چهره او بروی مرداندا ختداست در چهره و اسروی او بسدا خواهد شد. مکرر شنیده شده است ربا ن غری که بسجا ره ها در کارا رگاها و کارخانه ها و ادارها احبار در تلاش معاشند، آرزوی زندگی زن برنی را دارا دودینیبی است زنی که اما پیش خاطر بخا در فرصتی نخواهد یافت که خود برسد و ما به سرور و سبخت مرد سبزو واقع شود...”
- ۳- احیای حقوق مادی زن تکیه بر مرد آمد مرد!
- ۴- احیای حقوق معنوی: یعنی چه؟ مثلا در مورد طلاق: “... سردی و خاموشی علائمه مرد، حرکت از دواج و بیابان حیات خانوادگی است. ای سردی و خاموشی علاقه زن بر مرد آنرا بصورت مریض ستمخان در نگاه میدیدیم و شفا دارد، در

پیکار دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ایران تا محو سلطه امپریالیسم و نابودی ارتجاع داخلی ادامه دارد...

شبهه از صفحه ۴

تمام و ...

را از ساعت ۲۱ به ۱۶/۵ تغییر داده کوچکترین تغییر در روحیه، مسأله، عظیم توده، مردم بوجود نیامد. با وجود اعلامیه ما خمینی درباره ترفتن مردم به خاطر نشان بر حبه، مردم با زهبالا رفت. جمعیت غیر مسلح و کسانها و کوچها از زن و مرد و بیبر جوان بخوری و با خود بخودی به ایجاد ساریکا د سنگر، تهیه کوکتل موش و ... پیدا کنند. شب و دووم سپهر جمعیت خیابانها ما ندند. در همین شب بود که تعدادی از کسانها و ویا ساکها پلیس بدست مردم فتح گردیدند. روزیست و در میدانها ارتش، بقیه کلانتریها، مرکز رادیو و بیرون، ساختمانهای دولتی، با ساکهای زنده مردمی سینه اشغال مردم در آمدند. سلاحهای موجود در آن توسط مردم مصادره و اکثر مردم همین روز مسلح شدند. شب و سوم سپهر زندانها، ساواک، کادها و پلیس مراکز دولتی نیز به تصرف جمعیت مسلح در آمدند. در این روزها هزاران رزمنده، جان بزرگ شهید شدند. عصر روزیست و سوم سپهر نوشته زبردتگی مطبوعات چشم می خورد:

" این سیمار میرا رشید امی آید
بخره ها را باز کنید، این ارواح غمگین و رهبران شهید "

شبهه از صفحه ۱۵

بیروزی نهایی ...
معرض ضربات و حشاشنه دشمن قرار داده ایم .
از اینرو موضع انقلاب نمی تواند و نایند موضع سازش و حتی موضع دفاعی در مقابل حملات بیرحمانه ارتش باشد. دستگاه ارتش ضد خلقی را با بدنا بود ساخت و این بمعنای مبارزه با سربازان و افسران سپهر پرستی گه نمی خواهند دستور بیگانگان دست نه کنشار مردم بر زمینند نخواهد بود. ما با آغوش باز از این افراد استقبال نموده و همراه با آنها بر علیه دشمن واحد مبارزه خواهیم کرد. اما مسأله ت در برابر

شبهه از صفحه ۶

دستخوش دادن ...

اخراج آنان از ادارات و ارتش می باشد. شمار کثیری از نیروهای انقلابی از ادارات مختلف اخراج شده اند و این عمل در حالی انجام میگردد که همان رویای رژیم سابق در اس ادارات قرار گرفته اند. در مورد ارتش نیز رژیم که خواست توده های آگاه و نیروهای انقلابی درون ارتش را بر سر نخل ارتش دستبرد آورده امیربالیستها و ابعاد ارتش مسلح خلق را "فدا انقلابی" نامیده بود، سخن از تمغیه آن به میان آورد، اما جبران از همان ابتدا و همزمان با بازسازی ساواک و دیگر اقدامات ضد خلقی و ضد انقلابی اش از "تعديل" ارتش سخن می گفت و این "تعديل" نیز با لایحه نامه تل تعدا دزیادی از برسر انقلابی و دموکرات ارتش گردید! همین جندی بیش بود که فرمان اخراج حدود ۷۰ نفر از عناصر انقلابی ارتش و بخصوص هافران مبارزه جرمهای " جمون " جیی،"

(۲۱) - برای توضیح بیشتر در این مورد می توانستید "پیکار" شماره ۳۵ مراجعه کنید.

این سرود انقلاب، این سانگ توفنده آزادی است :

" ملت ایران بیروزی حشاشنه داد. حفاشه بزرگ فتح دژ استبداد گرامی باد ."
" هشیار با شیم، دژهای عمده استبداد دمخدر صفا شاهی را فروریخته ایم. دشمن زبون و ترسیده است. سوراخ خریدار است. روح بزرگ انقلاب بر فراز شهر، در خون هزاران شهید سرودنایش می خواند. اما بقایای دشمن هنوز با بر جاست. اینجا و آنجا دژهای دشمن فتح نشده اند. خونخوارترین دژ خیمان عنصر در میان مردم هستند. فرماندهان عمده و سر بر سرده هنوز بر ارتش فرمان می رانند. ساواک هنوز با تمام نیروی خود زنده است. امیربالیست خونخوار را رخصت از دست رفتی معنا نمیی شما رجون ما زخم خورده سیر خود می بیجد. مگانیم سرمایه داری و استنه همچنان بر حیات اقتصادی کشور حاکم است. هر آن بزرگ و بورش تازه ای دور نیست. هشیار با شیم، سیاد بنا - و ریم وقتی ارتجاع ستار و با فرا خلق صلاح کرد. انقلاب مشروطیت شکست خورد. نگذاریم تاریخ تکرار شود تا فروریختن آخرین بقایای رژیم پوسیده، شاخصیه کامل ارتش، شیرانی، ژاندارمری، ساواک، محاکمات ساواک، ارتش خلقی خود را که نیروی آن از مرزها و ایلات آن از زاد خانه های دشمن تهیه شده است ساکن کنیم و حفظ کنیم " ■

ارتش نشعه ای حرکت و از دست رفتن تمام ماسی دسا ورده ای حشاشنه خلقی مبارخا هدا آورد. بیتن سوی بیرون دژهای حشاشنه طبقه کارگر! بیتن سوی ایجاد حشاشنه کارگر! بیتن سوی تشکیل ارتش مسلح خلقی! سرنگون باد رژیم پوسیده و پلایستنه امیربالیست شاه حشاشنه! برتر از باد جمهوری دموکراتیک خلقی! سازمان پیکار در راه آزادی و استقلال کشور! ۱۳۵۷/۱۱/۳

"حرک"، "تحریک و ایجاد رهبرانی و تشکیل کمیته (شورا)", "منافق", "منفی بات" و ... صادر گشت (۲) همچنین می توان اخراج ۲ امرو خود ۱۱ درجده مبارز و ازادگان شماره ۲ لنگر ۸۱ زهی نام برد. حرم انسان اعتراض دفاعی فرمانده نسبت به برسرل یادگان بود! در جریان حمله به گردستان بسیاری از سربازان و افسران انقلابی که از فرمانهای ضد خلقی فرماندهان مزدورشان را بر سر کشتار خلق کرد سربچی کرده بودند، به جوخه اعدا مبرده شدند و اخبار انیز "بهر روز بهروز نیا" افسرانقلابی و دلبر کرد که از او مفرمانده، خاش خود در مورد شرکت در کشتار بیشتر که ها سربچی نمود، دستگیر و بشهادت میرسد. این چنین است گونه های از کارنا مه هیئت حاکمه در بر خورد با اعدا انقلاب و نیروهای انقلابی و آگاه جامعه، اما تاریخ نشان داده است که چنین رژیم ها بی در شهادت نخواهند توانست ما هیت خود را از دیدنوده ها پنهان نگا هدارند. خلق ما و انقلابیون راستینش همچنان بر جرم خوین مبارزات ندا میرا - لیستی و دموکراتیک خود را بدوش می کشند و توانا بودی کامل سلطه امیربالیست و ارتجاع ازبای نخواهد داشت ■

شبهه از صفحه ۲

مروری بر ...

سازیمینه ها در آورده است. روستا کدر کدکده عرصه استنمار رو به رفته کشتی اربا با از دهقانان سودا دنبال اصلاحات ارضی بطور عمده عرصه سیمو استنمار سرمایه داران، بانکداران و اربکانهای اداری رژیم ضد خلقی شاه سابق از دهقانان به اصطلاح آزاد شده گردید. حامل کارروشن است: کشوری کدر همسین ۲۷ سال قبل و در دوران حکومت ملی دکتر محمد مصدق با اقتصاد بدون نفت و سرمایه گذاری دهها برابر کمتر از میزان سالهای اخیر، صادر کننده محصولات کشاورزی و مخصوص محصولات سنتی از جمله کدکم بود، طی سالهای گذشته در سانه حاکمیت امیربالیستها و نوکران حیره خوا ردا خلقی آنها بر مقتدرات مردم ما، بسیاری از محصولات سنتی کشاورزی و ارجامه کدکم از خارج وارد می گردید.

در مورد تسلیحات:

بودجه نظامی ایران طی سالهای ۵۵ - ۵۲ سه تریست ۲۸، ۲۸/۵، ۲۸، ۲۷ و در صد بودجه کل کشور را شامل می شده است، تنها در سال ۵۵، حدود ۵۵ میلیاردریال صرف هزینه های نظامی گردید که هدفی جز سرکوب خلقهای ایران و سرانجینهای سلطه و حشاشنه های آزادی بخش و حفظ سنا فاع امیربالیستهای آمریکا و انگلیسی و مزدوران داخلی آنها نداشت و این در حالی بود که بودجه آموزش و پرورش و بهداشت و درمان در همین سالها مبالغ بسیار باختری را در مقایسه با بودجه نظامی شامل می کرد.

بطور خلاصه با متکی شدن اقتصاد ایران بر محصول یکپا به نفت، غارت این ماده حیاتی سنا نازلترین نرخ ممکن، عدم رشد صنایع سنگین و پایه های، محدودیت صنایع ایران بد صنایع موبناز و صنعتان زائده صنایع غرب، انحطاط و مع کشاورزی و بیرویه اضحلال و نا بودی آن، صرف ملنارده ها دلار از در آمد نفت برای خرید سلاحهای بیرونی - جنگی، بکار افتادن سرمایه های کلان در رسته های بی بهره ای و سود آوری چون زمین، ساختمان و ... از صنایع و راه با بصورت یک اقتصاد سیماری کدهوار راه از درونی حال تلاشی و بیوسیدن است، در آورده و آنرا سبک بخرا و بسیار عمیق کنا نده است.

بدین سبب و هر طی سالان دراز، سرمایه داران انکل و مزدور با ربا بان خارجی آنها به سود های کلانی کده چگاه سیماری آنها هم نمی توانستند، دست یافتند و در نهایت اقتصاد ایران سه قیمت رشد و فریب شدن صنایع خارجی و تخفیف بخرا - های مالی و اقتصادی کشور و امیربالیستی سه اضحلال و نا بودی کشیده شده است. صنایع نهایی عمیق و همجاننده اقتصادی که بیشترین صنایع را بدوش کارگران و زحمتگنان جا معده و ارضی آورده، در رسته های سیاسی چگونه متخلی شدند و سنا مبارزانی توده ها را چگونه و طی چه بروسی های رسد داده و سیر حمله اعتلای انقلابی رسانندند ؟

ادامه دارد ...

خلق فریاد میزد: "رهبران ما را مسلح کنید!" اما رهبران اینرا نمی خواستند! از اینرو خلق خود ابتکار عمل را بدست گرفت و بدینسان قیام مسلحانه ۲۲ بهمن آفریده شد!

هشدار سازمان به خلق در مورد سازش با ارتش ضد خلقی و فرماندهان وابسته با امپریالیسم در سوم بهمن ماه ۵۷:

خلقهای ایران، فرمان مادرک مبارزه بی‌سکوه و دلیرانه، بی‌مادان مدها هزار شهید و مجروح، در کشتن یک نیروی کم‌بهره و بی‌سواد و ولین سنگر بیروزی را فتح کنند و تا حالا، شما بی‌سازش تمام عیار و سک زنجیری آمریکا را از سر می‌دهند. این بیروزی متعلق به شما نبوده‌هاست، شماست که در دوران نکتست با سلطنت این خاندان شکنجین و بخصوص در این یک ساله اخیر، فشار، تبعیض، مایه‌وشهادت را بحال خریدند و بر علیه رژیم سرما به‌دریغ و بی‌سکوه‌ها کم و آریا با آن جنایتکاران قهرمانان جنگی که در این جای هیچ شکی نیست که این بیروزی، در این ماه با دوره سیاه‌ها کمیت دیکتاتوری خون‌آشام روزی می‌شود، بسیار بی‌ارزش و قابل اهمیت است، اما نباید فراموش کرد که این بیروزی در مقابل راه‌درازی که تا پیش از این نتایج انقلاب در پیش داریم تنها قدم اول محسوب می‌شود و نه بیشتر. دشمن خونخوار در اثر موج گسترده نظرات و اعتقادات سیاسی کارگران و کارکنان مبارز و موسسات دولتی و خصوصی، از نظر اقتصادی و سیاسی فلج گشته، از لحاظ نظامی نیز از درون دچار تزلزل و جنبدیاری گزیده، و عناصر بسیاری از افرادی که در ارتش که خود از میان قشرهای محروم و مستمیده‌ها جامعه برخاسته اند در کنار مردم قسار گرفته‌اند. ولی از رژیم سرما به‌داری وابسته به امپریالیسم که هنوز آثار و بقایای بسیاری با بر جا است. پایه‌های سلطه و نفوذ امپریالیست‌ها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا در موسسات و شرکت‌های غارتگر خارجی و داخلی وابسته، در قراردادها و اسارت، آفر اقتصادی، سیاسی، نظامی و در رأس آنها در ارتش ضد خلقی و تا مغز استخوان وابسته‌ها از منافع حیاتی و اساسی امپریالیست‌ها و سرپرندگان داخلی آنها دفاع میکند، هنوز قطع و ازین برده‌شده است. بیروزی واقعی در این است که رژیم سرما به‌داری و وابسته‌ها سودگشته و سلطه و نفوذ امپریالیست‌ها در این آنها امپریالیسم آمریکا از این‌ها بطور کامل و برای همیشه قطع کرده، جمهوری دموکراتیک خلق کوهبری آنرا کارگران بدست دارند از نمایندگان کلیه اقشار و طبقات خلقی تشکیل شود، ارتش ضد خلقی تا سودگشته و یک ارتش خلقی که حافظ منافع نبوده‌هاست مردم باشد بوجود آید...

اما امپریالیست‌ها و وابستگان داخلی آنها با تمام نیرو از تحقق این درخواست‌ها جلوگیری می‌کنند. آنها از یک طرف با وسایل سرکوب خود، یعنی ارتش سرکوبگر، ساواک و نیروهای انتظامی و از سوی دیگر با توطئه و کوشش برای به‌سازش کشاندن رهبران جنبش سعی می‌کنند از قطع سلطه و نفوذ خود در ایران جلوگیری کنند. هم‌اکنون همه میدانند که ارتش یکی از ابزارهای امپریالیست‌ها و سرما به‌داری و وابسته‌ها داخلی برای حفظ منافع غارتگرانه‌شان در ایران است. این ارتش ضد خلقی آریا به‌داری اساس بدست امپریالیست‌ها آمریکا شده، و شما می‌بینید که آنها و آموزش‌های زیر نظر مستشاران

پیروزی نهایی چیست؟ و چگونه تامین میشود؟

آمریکائی و فرماندهان کشتی‌های جون اوپسی، از هاری خسرو دوشفت و... به منظور سرکوب خلقهای میهن‌مان و تمام خلقهای منطقه تجریش آماده شده‌است. آیا ارتشی با این مشخصات می‌تواند معنویان یک ارتش خلقی بحال آید؟ مسلماً نه! سربازان که فرزندان نوده‌های زحمتکش جامعه ما هستند، با درجه‌داران و افسران جز که خود از قشرهای وابسته‌ها و حساب می‌آیند، با بدحاشیان از فرماندهان و تنخواور و خلقه نیکوخواهی آمریکا جدا شود. همچنین با قسری و فرار سربازان از ارتش و احساسات پاک و میهن‌دوستی آن دسته از افرادی که به صفوف مردم می‌پیوندند و از آزادی و امنیت اجتماعی و ضد خلقی دستگاه ارتش سرما به‌داری و وابسته‌ها و امپریالیستی آن جدا نمودند.

اگر قهرمانی به‌دوره‌ها در این می‌زند که ارتش با مردم است بخاطر اینکه توانایی است که در این موقعیت حساس سربازان ارتش را فرا گرفته است، بخاطر اینست که یک کودتا می‌کند، در شرایطی که تمام اقتدا در جامعه ملج و در این شرایط ناخوشایند است و با دستگاه جهانی امپریالیستی وابسته به آریا با آن داده‌اند. بر این اساس حرکت مبارزه‌ای



قیام پیروز شد، سلطنت و ازگون گشت، امپریالیسم ضربه دید، اما راه انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی ما هنوز نمایان نرسیده است

فرماندهان جنایتکار ارتش در این یکساله نشان داده‌اند که از کدام راه با دستوری کینرند و در همین چندروزه هم در اهواز، دزفول، اندیمک، تخت‌آباد و... دیدیم که این جنایتکاران جواب احسانات پاک مردم را چگونه دادند. از لوله‌های مسلسلی که به وسیله مردم کلبان را نده بود، کلوله‌ها بردو سینه برادران و خواهران ما را شگفت.

آیا همه این جنایات کافی نیست تا به این موضوع پی ببرد که چنین ارتشی را آیا به‌داری به‌واسطه سودگردد و ارتش دیگری سازند؟ بنا بر این ما این جنبه از توصیه آیت‌الله خمینی را که می‌گویید: "ارتش از ملت است و ملت از ارتش است" با رفتن شاه خلقی بر آن وارد نخواهد شد. (بمنقل از اعلامیه آیت‌الله خمینی درج شده در اطلاعات مورخ ۲۳/۱۰/۵۷) و مطابق آن کل ارتش را یک دستگاه مردمی و خلقی تصور می‌کنند و جبهه ارتش را عینی و ضد خلقی آنرا در نظر نمی‌گیرند. نادرست دانسته و بحال جنبش انقلابی مردم‌ساز خطرناک می‌دانیم. این توصیه و رهنمود با عنایت سودگنده آمادگی ذهنی و روحی و عملی نبوده‌هاست برای برخورد غیر آمیز و احتیاط با بی‌دبیری که سرانجام امپریالیسم و ارتجاع داخلی، سوسله‌ها بحقیقتی از همین ارتش ضد خلقی به خلقی تحمیل خواهد کرد، گانه خود از قتل در مقابل دشمن خلق سلاح کردند، این نقطه نظر با بدحاشیان می‌رود که حتی از مردم می‌خواهند در مقابل حمله و تنها احتمال می‌دهند "برادران ارتش" از آنها دفاع کنند! همان "برادران ارتش" که در طی این مدت بی‌وسه به صفوف مردم بنا بر زناخته و با سلاحهای آمریکا-نی سینه‌ما را از خلق راه هدف کلوله‌های آتشین خود قرار داده‌اند. توصیه آیت‌الله خمینی مبنی بر بست کردن سربازان به ارتش و پیوستن به صفوف خلق، توصیه‌ای کاملاً نجات، اما این نقطه یک جانب‌تصیه است و تکلیف دستگاه ارتش را که باید یکلی تا سودد، روشن نمی‌کند.

این ارتش طی سالمان در از معنویان اسرار سرکوب جنبش خلق و حافظ منافع امپریالیست‌ها و برنجین وابسته‌ها عمل کرده است و یک شیبه تعمیر ما هیت نمیدهد و نمی‌تواند منافع منافس مردم و خواسته‌های آنها باشد. این ارتش معنویان را به سلطه امپریالیسم و سرما به‌داری و وابسته‌ها برای حفظ منافع آریا با آن آماده‌است به‌وختیانه‌ترین شکلی که می‌تواند مردم را مورد هجوم و فریب خود قرار دهد. اما بطوریکه چه در گذشته و چه در دوره اخیر بارها جنبش مردمی را

این احتمال وجود دارد که در لحظه فعلی بدلالی که مربوط به ما است و در این جهت کامل دشمن در شرایط کنونی است، فرماندهان مزدور ارتش نتوانند دست بیک ما را جویب نظامی و جنگ کودتای خونین برزند، اما از آنجا که یکسری از کله‌ساز سرکوب همواره در دست آنهاست بطوریکه مردم را در دور دریا به‌ها و اساس آن تعمیر ایجاد شده‌است. بنا به قاطعانه تا بودی کامل آن و متقابلاً تشکیل ارتش مسلح خلق را در دستور قرار ندهیم، و در این باره تا قبل از نظر ذهنی، روحی و عملی نبوده‌ها را آماده سازیم، انقلاب را که هنوز در قدمهای اولیه است، همواره در

نقشه در صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران